

بخش پنجم

از

ضد شورش

و

جنگ رهائی بخش ملی

هدف جنگ ما: از بین بردن جنگ و

رسیدن به صلح و آزادی است.

هدف جنگ اشغالگران سزمین ما:

انکار تاریخ و حقیقت، ادامه سرکوب و

اختناق... و بالاخره، ژنوساید است؟!.

از: سرهنگ چیا

ما نوتسه دون " رهبر سیاسی و نظامی چین " در جنگ با امپریالیزم ژاپونی چنین میگوید: ((**اولا** - وقتی نیروی خصم در مقابل ما زیاد است مصلحت نیست که نبرد کنیم، **ثانیا** - وقتی که نیروی دشمن در مقابل ما زیاد نیست ولی بواحدهای همسایه خود زیاد نزدیک است گاهی مصلحت نیست که بجنگیم، **ثالثا** - وقتی نیروی دشمن منفر د است ولی مواضع بسیار مستحکم در اختیار دارد مصلحت نیست نبرد کنیم، **رابعا** - وقتی امکان پیروزی نبرد در میان نیست نباید به نبرد ادامه دهیم)) .

در تمام این موارد که بر شمردم ما باید آماده رفتن باشیم، زیرا: رفتن در چنین مواردی جایز و ضروریست، و قبول رفتن مبتنی بر قبول ضرورت نبرد است.

بعبارت واضحتر: پرهیز از برخورد با دشمن نیرومند، حمله به دشمن ناتوان، اینست فلسفه جنگ: (چریکی یا گریلائی). خیالبافیها، قهرمان نمائیها، احساساتی شدن ها... میوهائی جز شکست و ناکامی برای واحد چریکی " پارتیزانی " بیار نمیآورد.

محاصره تاکتیکی

هریورش ضد چریک بریک گروه یا واحد چریکی " پیشمرگه " بیاری دسته های توپخانه سبک و واحدهای هوا برد صورت میگیرد، و هدفش در یک فاصله کوتاه یا دراز مدت: جمع کردن کلیه امکانات و شرائط لازم برای محاصره تاکتیکی میباشد. هما نطوریکه قبلا متذکر شده ام، در شکلهای مختلف تماس مستقیم - موقعیتهای فراوانی بدستشان میافتد، و در نتیجه برش از چریکها " گریلاها " میتوانند از موقعیتهای بهره برداری کنند.

زیرا: کلیه عملیات آنها بر اساس عوامل: 1 - محل مساعد، 2 - تدابیر امنیتی، 3 - وقت کافی برای اجرا پایه گذاری شده است. **یک مثال:** صبح یک روز "ضد چریک" در محله‌هایی که بر قسمت‌هایی از تپه‌های بی درخت یا دره‌های یا گیاهان کوتاه و ناچیز مسلط بود، یک گروه اونیروهای غیر بنظم "گریلا" را که بر اثر برنامه ذله کردن یا بستن آوردن یک واحد دیگر ارتش بآن طرف رانده شده بود، غافلگیر میکند. وقتیکه واحد چریکی بدام می‌افتد، برای مبارزه کردن سماجت بخرج می‌دهند، و یا ناگزیر به انجام آن میشوند ((**در اینحال ثابت نگه داشته شده اند**)) و این کار بد شمن اجازه می‌دهد که قسمت مهمی از روز را به پیاده کردن واحدهای خود از هوا اختصا ص دهد، **زیرا:** بهمان اندازه که زمان نبرد بطول انجامد بهمان حد نیز حلقه محاصره تنگتر میشود... بنحویکه برای زنده ماندگان شانس کمتری باقی میماند که در هنگام شب بتوانند حلقه محاصره را بشکنند.

ولی غالباً چون هلیکوپترها نمیتوانند در زمینهای جزباندازه کافی دور از میان نبرد نیرو پیاده کنند، در چنین شرا-ئطی ضد چریک فرصت محاصره را پیدا نمیکند، و باین قناعت میورزد که بکمک نیروهای منتقل شده از راه هوا، کمینهای را برپا سازند. و عملیات محاصره را به فرصت دیگری واگذار کند. به تعبیر دیگر: وقتیکه چریک ها "پارتیزانها" از چنگ یک کمین یا مانور رتنگنا افتادند، خارج و خود را خلاص میکنند، **باید در نظر داشت** خط محاصره **در حدود 72 ساعت** بطور جدی باقی میماند. بنا بر این چریکها یا پیشمرگه ها لازم است که بانجام یک راه پیمائی اجباری ((**روز و شب**)) برای تامین یک ایمنی نسبی ((**لااقل 24 ساعت راه پیمائی**)) تن در دهند. **بویژه**، وقتیکه محلها را خوب شناسند. یا اینکه این محلها دارای قسمت‌های وسیعی باشند با درختان و گیاهان کم و ناچیز، و یا اینکه اطراف آنها را ارتفاعاتی احاطه کرده باشد... **در اینحالات:** اگر دشمن دارای دید بانی و کنترل خوب باشد، چریکها یا گریلاها باسانی ممکنست دوباره بچنگ دشمن بیافتند.

در آنجائیکه منطقه عمل، کوهسانی یا جنگلی است، پیاده کردن نیرو از هوا امکان کمتری دارد و مشکلات ناشی از عبور از مرحله: ذله کردن و بستن آوردن بمرحله ثابت نگهداشتن... و سپس بمحاصره تاکتیکی، براید شمن بسیار بزرگ و شدید خواهد بود. **بنا بر این**، از عبارات قبلی چنین نتیجه میگیریم که: وقتیکه چریکها یا پیشمرگه ها دهکده‌ای را اشغال میکنند. یا هدف واقع شده‌ای را در یک زمین کم گیاه و درخت را مورد حمله قرار میدهند، هیچوقت نباید فراموش کنند که نیروهای ضد چریک در همان حالیکه برای برقراری موقعیت قبل از تماس دائمی از طریق برنامه: ذله کردن و بستن آوردن و یا تعقیب لاینقطع تلاش میکنند، در همانحال نیز می‌کوشند که راه عقب نشینی چریکها یا پیشمرگه ها را قطع کنند. ولی وقتیکه جنبش چریکی یا پارتیزانی هنوز شانس "ادامه حیات مسلحانه" را از دست نداده است، اگر مرتکب اشتباه شود و از روی میل و قصد ((**ونه اجبار دشمن**))، در پایگاهها و اردوگاهها، خود را ثابت نگهدارد، نقطه قابل هدف گیری را دوستی به دشمن تقدیم میکند، **و در آنحال:** دشمن میتواند به یورشهای تمرکز یافته و نابود کننده‌ای مبادرت ورزد و مواضع آنها را با خاک یکسان کند.

نظم شیوه های مورد اجراء بوسیله ضد چریک در حال مبارزه با یک واحد چریکی - یا پارتیزانی:

این نظم، بر حسب اینکه یک واحد مسلح در یک منطقه تهیه و آماده شده یا یک ناحیه جنگ چریکی فعالیت میکند و یا اینکه واحدی که بر اساس منطقه دفاع از خود "گریلا یا پیشمرگه" برپا شده و توفیق یافته است که بموقع، منا-طقش را باز شناساند. میتواند فرق کند. معمولاً نظم تعقیب شده بشرح زیر است:

زیرکی و رخنه گری: برای اینکه از ذکر مثالهای متعدد خودداری کنم، بذکر دو مثال اکتفا میکنم: 1 - ارتش یک زن زیبایی را بعنوان معلم استخدام میکند. این زن خود را شیفته و دلباخته فرماندهی چریکها یا گریلاها نشان میدهد، بنحوی که در زمان اجرای حکم تیرباران فرمانده درخواست میکند که او را بکشند، 2 - یکی دیگر از مامور-ران مخفی، راه دیوانگی و خل بازی را برمیگزیند. و با بستن زنگوله‌های پرسروصدا بپای خود، در کوچه ها و محله ها راه می‌رود و خل بازی را در می‌آورد.

عملیات مدنی: وقتیکه عملیات مدنی با شکست مواجه. یا نتایج ناچیزی را ببار می‌آورد، جای این برنامه با برنامه فرار داوطلبانه روستائیان عوض میشود. **مخصوصاً:** 1 - روستائینی که طرفدار جنگ چریکی هستند

ویا ازد را اختیار قرار دادن اطلاعات و اخبار مربوط به "چریکها یا پیشمرگه ها" خود داری و از برگزاری تماس با نیروهای دولتی نفرت دارند ، آنها بیشتر مورد این برنامه قرار میگیرند ، 2 - تمام ساکنین دهکوره های دور افتاده - و منزوی مجبوری شوند که خانه و زندگی خود را رها کنند ، 3 - ارتش چهار پایانشان را ضبط میکند و مزارع شا - نرا ویران میسازد و آنها را در محلهای دهات نزدیک و قابل کنترل جمع آوری میکند.

محصره استراتژیکی : در حالت وجود منطقه دفاع از خود " گریلا یا پیشمرگه " عملیات تعیین محل و موضع کردن با دقت خاصی صورت میگیرد . نظر باینکه مناطق عملیاتی از قبل به وسیله ضد شورش مورد مطالعه قرار گرفته است ، لذا هر یک از آن مناطق در همان لحظات اول یورش از نظر نظامی اشغال میگردد .

موقعیت قبل از تماس دائمی - یا برنامه ذله کردن و بستوه آوردن " واحد چریکی یا پارتیزانی " در منطقه با صلاح دفاع از خود : یورش ضد چریک همواره متعاقب یک بمباران - و آتش شدید سلاحهای سنگین ، و پیاده کردن نیرو از طریق هوا ، صورت میگیرد ، و بعنوان آغاز کار : برنامه ذله کردن و بستوه آوردن در امتداد کوره راهها و جاده ها بمورد اجراء در میآورند .

عملیات اشباع کننده : در مناطق دفاع از خود ، عمل اشباع کردن بهمان شیوه ذکر شده در بخش های قبلی اجراء میگردد : بر روی مناطق مسلط بر منطقه وسیع پایگاههای کوچک حمایتی - و دیدبانی قرار میدهند که هر یک از این پایگاهها منطقه مربوط به خود را کنترل میکند . سپس عمل اشباع کردن با اشغال مناطق عملیاتی ، بطرف مناطقی که چریکها یا پارتیزانها تغییر محل میدهند ، توسعه و گسترش مییابد .

جنگ روانی : این شیوه همواره تحت شکلهای متعدد " و بدون وجود راه حل برای ادامه آن " ، بوسیله سازمان های امنیت نظامی متخصص در امور " قلب و وارونه " کردن وقایع - و انتشار اخبار دروغین ، اعمال میشود ، و برای اجرای این شیوه از : 1 - مطبوعات ، 2 - نامه های بی نام یا با اسم مستعار ، 3 - نوشته های روی دیوار ، 4 - و پوچ ها ئی برای علم کردن تهدید ها ، 5 - و جازدن جاسوسان و ماموران مخفی بعنوان انقلابیون تحت تعقیب ، و بعکس ، 6 - معرفی کردن انقلابیون بعنوان ماموران مخفی و جاسوسان ، استفاده میکنند .

و در اینکار تا آنجا پیش میروند که : روستائیان را بطور دستجمعی قتل و عام میکنند و انجام آت را به " چریکها یا گریلا ها " نسبت میدهند ، یا اینکه سرها و بدنهای شقه شقه شده " انقلابیون " را برای درس عبرت گرفتن روستائیان بمعرض نمایش میگذارند .

بطور خلاصه : باید خاطر نشان کرد که حملات و یورشهای ضد چریک همواره با یک برنامه وسیع ملی بنام " جنگ روانی " همراه میباشد .

بطوریکه : فرانسیسکو پرادا (دبیر جبهه رهائیبخش ملی ونزوئلا) ، این نکته جالب را چنین بیان میکند : بخاطر دارم که چطور روحیه افراد یک واحد بفرماندهی " بود یلیولو " در جنوب فالكون ضعیف شده بود ، بحدی که تمام افرادش در صد د این بودند که میدان نبرد را رها کنند . . . دشمن (با استعمال تمام نامها و نامهای مستعار دقیق افراد واحد ما) اینطور باور آنده بود که واحد ما بطور کامل مضمحل و نابود شده است . . . حقیقت این بود که ما حتی یک نفر از افراد خود را از دست نداده بودیم . . . ما بطرف منطقه دیگری تغییر محل داده بودیم ، و اینکار مانع از آن شده بود که در مکان و زمان تعیین شده با فرمانده مذکور تماس برقرار کنیم . . . بدینگونه خیر ((دروغین)) کشته شدن تمام افراد ما ، تا به آن حد ، روحیه همراهان ما را از بین برده بود . . . زیرا در آن زمان ، ما هنوز از این شیوه دشمن که مبتنی بر انتشار اخبار و شایعات " ساختگی و دروغین " است ما بی اطلاع بودیم .

ولی ضد شورش ، همه جا با شدت و ضعف موثر بودن ، در مبارزه خود علیه جنبشهای رهائیبخش ، شیوه یک نواختی را بکار میبرد . با این تفاوت : اگر در یک مرحله مشخص ، بخاطر دلایل متفاوت ، دشمن عملیات ذکر شده در صفحات قبل را بمورد " اجراء " در نمیآورد ، و اگر نیروهای ضربتی اش نمیتوانند تاکتیکهای تشریح شده در فوق را بمورد اجراء در آورند ، علتی جزء این ندارد که نیروهای (ضد شورش و ضد چریک) کمتر از

حد لازم ، رشد و توسعه یافته اند . فقط کافی نبودن انگیزه جوئیهای " اجتماعی ، اقتصادی . . . یا فقدان یک حزب واقعا (ملی - انقلابی) ، میتواند مجموعه نشانه ها و علائمی را که مانع از گسترش سریع جنگهای (چریکی - گریلائی) می شوند.

حفظ کردن و توسعه دادن نیروهای ما " خودی" ادامه دارد.

لطفاً ادامه این موضوع را یعنی (فصل ششم) را در همینجا تعقیب و مطالعه فرمائید. متشکرم

لطفاً مطالب این بخش و بخشهای " گذشته و آینده " آنرا برای آگاهی و اطلاع : (پیشمرگه ها - و گریلا ها) و کادرها طبع و توزیع فرمائید. متشکرم .

Chia.rabii@yahoo.com

مالمو سوئید

بخش ششم

از : ضد چریک

و

جنگ رهائیبخش ملی

مبارزه مسلحانه ادامه سیاست است

با وسائل دیگر. برای پیروزی در آن

میبایستی قوانین عام و ویژه آنرا مطالعه

ویاد گرفت.

از: سرهنگ چیا

حفظ کردن و توسعه دادن نیروهای ما " خودی"

1 - در نظر داشتن و اجراء کردن کلیه تدابیر امنیتی ، کاریکه برای یک واحد " چریکی یا گریلائی " خوب تعلیم دیده و مجهز که در منطقه تهیه و تدارک شده ، بوسیله یک کار تدارکاتی سیاسی مخفی عمل میکنند ، بسادگی تحقق پذیر است.

- 2 - از همان آغاز ، اجتناب از ثابت نگهداشته شدن استراتژیکی ... و در هیچ حال نپذیرفتن ثابت نگهداشته شدن تاکتیکی
- 3 - تا حد امکان بمورد عمل در آوردن روشهای عملیاتی نابود گرانه ، با استفاده کامل از حربه های غافلگیری ، سرعت عمل ، ایمنی ، و خشونت و شدت عمل ، بنحویکه در محلی که : با دقت مطالعه و شناسائی شده است ، برد شمن ضربه کاری و مهلک وارد آید.

تعلیم و تمرین :

در پایگاههای تعلیم و تمرین ، باید همیشه مبارزه علیه این فکر و برداشت وجود داشته باشد : از نظر تاکتیکی کمتر از حد - و از نظر استراتژیکی بیشتر از حد واقع ارزیابی کردن دشمن .

تعلیم و تمرین ، و تسلیحات یک واحد " چریکی یا پارتیزانی " مسائل زیر را در بر میگیرد : 1 - آموزش نحوه تشخیص و تمیز بین یک دستور باز و یک دستور بسته (الف - منظور از یک دستور باز : دستوریست که حسب مورد و بر اساس اوضاع و احوال " مثلا در جریان عملیات " مشکلی پیش آید که قبلا پیش بینی نشده بود - در اینجا فرمانده گروه عملیات میتواند تغییرات جزئی در برنامه را دستور بدهد " ، یعنی میتواند آنرا تفسیر کرد و یا تغییراتی را در آن داد ، بدون اینکه : روح اصلی یا ماهیت یا هدف غائی آن دگرگون شود . ب - دستور بسته ، عکس دستور باز است ، یعنی باید بدون " چون و چرا - و بدون هیچگونه تفسیری " نعل بنعل اجراء گردد . 2 - تعلیم تشکیلات اورگانیک ستون جنگ " چریکی یا گریلابی " از قبل : ستون بمعنای خاص کلمه ، نیروی عقیدار و فرماندهی.

آموزش انضباط نظامی از قبیل : 1 - شیوه ارائه و ارسال اخبار و اطلاعات ، 2 - نحوه تهیه یک گزارش ، تشریح تکالیف و وظائف گشتیها و پاسگاههای پیشرفته ، 3 - داشتن اطلاع از فنون تیراندازی و مانورها ، 4 - شیوه استفاده از زمین و محل مورد عمل و غیره ، 5 - تعلیم چگونگی تسخیر دهکده ها ، 6 - آموزش نحوه عقب نشینی ، 7 - آموزش و توصیه راه پیمائی " روز و شب " در مدتی بطور متوسط بین (8 تا 12 ساعت) از میان مزارع با باز کردن کوره راهها ، با کوله پشتی بر پشت که وزن آن متدریجا اضافه شود تا به " 24 کیلو " برسد ، 8 - به پیشمرگان یا گریلابی تازه وارد باید یاد آور کرد که ضد چریک پیش میآید ، یعنی : خطر نزدیک شدن دشمن ... و همواره در تعقیب " پیشمرگه ها و گریلابیها " بودن را باید مرتبا به آنها " تازه واردها " یاد آورشده ... **بویژه** ، در لحظات مشکل از قبیل ((ابراز خستگی کردن در مقابل راه پیمانیهای بی وقفه و طولانی ، با وجود کوله پشتی سنگین و بالای رفتن از کوهها و فرود آمدن از سرازیرها و غیره)) ، و بدینگونه آنها را تشویق و ترغیب به مقاومت در برابر مشکلات کرد ، 9 - نحوه بکار بردن احتیاطهای لازم در حین عبور از پلها و تقاطع راهها - و نیز شیوه تشخیص دادن نشانه ها و نحوه محو کردن جای پاها و دیگر نشانه ها ، 10 - بیشتر تمرینهای عملی باید بر روی زمینهای کوهستانی یا جنگلی صورت بگیرد - و بویژه ، شبها همواره در هوای آزاد بسر برده شود ، 11 - آموزش استفاده از مواد منفجره 12 - هر چریک یا پیشمرگه پس از خاتمه دوره تعلیم و تمرین خود باید یک دینامت گذار ماهر و کارگشته از آب در آید و قادر باشد که مینهای الکتریکی را بر روی فاصله های مختلف مستور کرده - و بکار بیندازد ، بتواند پلها را مین گذاری کند 13 - انجام کارهای عملی در زمینه کمین در انواع جاده ها ، ویرانگری با مواد قابل احتراق و انفجار ، 14 - یورش بردن و آزمایش عملیات ذله کردن و بستن آوردن ، 15 - آموزش شیوه مراقبت و نگهداری سلاح و مهمات - و دقت در مصرف نجا و بموقع آن ، 16 - آموزش تاسیسات نبرد از قبیل : سنگرها و گودالها ، تونلها یا پناگاههایی بشکل نقب ها ، با توضیح و تشریح هدفهای خاص هر یک از این استحکامات **مثلا** ، برای کمین : علیه شلیک خمپاره اندازها ، پاشیدن ناپالم یا بمبارانهای هوایی ، 17 - تعلیم نحوه گشودن کوره راهها ، طرز استتار کردن ، شیوه برپا کردن چادرها و روشن کردن آتشها ، 18 - آموزش استفاده از دوربین ها ، دستگاههای گیرنده و فرستنده و خطوط تلفنی بمنظور غافلگیری کردن مکالمات دشمن و قطع کردن آنها ، 19 - تعلیم نحوه محافظت از خود در مقابل هواپیما و هلیکوپترها ، بویژه ، طرماشاهده و زیر نظر گرفتن هلیکوپترها بر روی زمین ، بمنظور نشان دادن مناسبترین شکل قرارگیری آنها برای انجام حمله به حساسترین نقاط آنها ، **مثلا** : کابین ، پروانه ، درها ، جناحها و موتور.

بطور کلی : قسمت اعظم دوره تعلیم و تمرین باید (در حد امکان) تحت یک رژیم غذایی مقوی و خوب صورت گیرد . از طرف دیگر ، پیشمرگه ها یا گریلابیها تازه وارد باید : (علاوه بر برنامه های عملی - برنامه های فشرده کلاسهای مربوط بسازمانهای سیاسی و تئوریهائی در زمینه جنگهای پارتیزانی یا چریکی) را دنبال کنند.

یاد آوری : فقط از برکردن طوطی و ارواژه ها و اصلاحات کافی نیست ، باید بر روی این نکته باز تاکید کرد که : هر (پیشمرگه یا گریلا) ، **بویژه** ، مسئولان باید آشنائی و شناخت کامل در زمینه تاکتیکهای ضد چریک داشته باشند ، **زیرا که :** مجبورند با دشمن دست و پنجه نرم کنند - **در اینحال** ، پیشمرگه ها و گریلاها نه تنها از عرضه کردن امکانات بدشمن برای یک پیروزی سهل و آسان اجتناب میکنند ، بلکه در عینحال از محدود کردن خود به ابتدائی ترین شکل جنگ " چریکی یا پارتیزانی " یعنی : ادامه حیات مسلحانه پرهیز کرده اند.

ژنرال وئونگوین جیاب : فرمانده نیروهای مسلح ویتنام در جنگ با امپریالیسم اشغالگر امریکائی ، میگوید : (نظریاتی که هدف شکست دادن دشمن است - تمرین و تعلیم باید با تلاشهای مبارزه انطباق داشته باشد) .

نظریه تفوق کمی و تکنیکی دشمن ، به اولین واحد چریکی یا پارتیزانی شدیداً توصیه میشود که : با بهترین حد آمادگی ممکن ((لاقلاً برای نیمی از افراد خود)) وارد مبارزه شوند... و جای هرگونه نقص و کمبودی را با استعمال منظم مینهای الکتریکی پر کنند . همینکه جنگ و مبارزه آغاز شد ، حدود و میزان تعلیم و تمرین : نقش بسیار مهم خود را در آینده این واحد های " پیشمرگه و گریلا " ایفاء خواهد کرد - و این چیزی نیست که بتوان آنرا بدهتا و در میدان نبرد بدست آورد... و یا جای خالی آنرا فقط با شهادت و جانبازی پر کرد.

توجه : شیوه کلاسیک و مرسوم در بین سازمانها و احزاب کردی در کردستان بطور اعم - و در کردستان شرقی بطور اخص ، مبتنی بر این بوده و هست که : مراکز آموزشی را البته " **اگر موجود باشد** " ؟ ، در ناحیه ائی تحت نفوذ و کنترل یکی از کشورهای متخاصم قرار میدهند ، که شدیداً توصیه میشود از آن اجتناب گردد . زیرا که در چنین شرائطی ، تاریخ و تجربه مبارزات رهائیبخش خلق ما - و خلقهای دیگر نشان داده اند که : جنگ " **پارتیزانی یا گریلابی** " نتوانسته است ، حتی تا مرحله جنگ احتیاطی (ابتدائی) آن دوام بیاورد.

آمادگی تکمیلی منطقه تهیه و تدارک شده :

علاوه بر شناسائیهای نقشه برداری و جغرافیائی منطقه و بخشهای زیر نفوذ ، حوزه ها ، رابط ها و تماسهایی که برای تدارک نبرد بوسیله جنبش رهائیبخش (ملی و انقلابی) بعمل میآید ، مناطق عملیاتی آینده : آمادگی و تدارک اضافی را نیز متوقع است .

همزمان با آغاز نبرد مسلحانه باید از میان " پیشمرگه ها یا گریلا های " محلی که قلمروشان را بخوبی میشناسند ، تعدادی انتخاب شوند - اینها وظیفه دارند که به نسبت منطقه جنگ " چریکی یا پارتیزانی " تعدادی انبار تدارکاتی را که هر یک از دیگری در حدود (2 تا 5) روز راه پیمائی دارد ، بوجود بیاورند .

این انبارها باید در محلهایی برپا شوند که براحتی قابل دست یابی باشند ، و نیز بتوان در آینده بسادگی آنها را بازیافت و به آنها سرکشی کرد ، بی آنکه کوره راهها و یا جای پاهائی برجا گذاشت ، تا نیروهای دولتی نتوانند آنها را کشف کنند .

هریک از این انبارها باید حاوی مواد و وسائل زیر باشند :

قبل از هر چیز و مخصوصاً " تی - ان - تی " ، و نیز نارنجکهای دستی ، سیستم های آتش زنه الکتریکی - فتیله های باروتی ، مهمات برای سلاحهای سبک و سنگین ، مقداری کفش : بهتر است که کفشها از نوع کفشهای تنیس یا پلاستیکی منطبق با شرائط آب و هوای اقلیمی باشد ، قطعات چرم و پلاستیک برای استفاده تعمیر کفشها - پارچه های نفوذ ناپذیر برای چادرها ، مقداری سوزن ، نخ ، و درفش برای تعمیر و دوخت و دوز لباسها ، کفشها و کوله پشتیها ، مقداری قوطیهای کنسرو غذا ، مقداری آنتی بیوتیکها و داروهای مسکن درد و ویتامینها ، تعداد لباس از نوع مورد استفاده پیشمرگه ها یا گریلاها ، جورابها و زیرشلوارها ، **توجه :** (این وسائل باید توی گونیهای نفوذ ناپذیر پیچیده شوند تا به بهترین وضعی محفوظ بمانند) .

در جریان عملیات اگر گروههای مسلح در حوالی این انبارها قرار داشتند بهتر اینست که متوقع آن نشوند و این انبارها را منحصر برای روز مبادا و موارد فوق العاده ضروری ذخیره کنند . و قتیکه تمام این اقدامات خاتمه یافت ، باید وسائل و لوازم مورد نیاز مبارز را بحملی که قرار است بهم ملحق شوند ، منتقل کرد .

تجهیزات لازم برای یک دسته (35) نفری:

11 کیلو ماده تی - ان - تی برای هریک از افراد گروه متخصص در این زمینه ، که گروه مذکور مرکب از : **9 تا 11** نفر میباشد - تعداد ی کپسولهای شعله زا ، مقدار کافی کابل باید در ربین " پیشمرگه ها یا گریلاها " تقسیم شود که ماده تی - ان - تی را حمل نمیکنند ، همچنین تعدادی چاشنی کوچک انفجار ، هریک از گروههای دسته " **11 نفری** " باید دارای یک سلاح نیم سبکین گروهی از قبیل " آر - پی - جی " با تعداد شش 6 عدد موشک مربوطه باشد ، برای هر پیشمرگه یا گریلا : تعداد **150 تا 200** فشنگ سلاح سازمانی در نظر گرفته شود که لا اقل " **5 پنج** " تیر آن از نوع آتش زا باشد - فشنگهای آتش زا برای حمله بیاسگاه اشباع کننده - وهلیکوپترها بکار میرود : (سلاح سازمانی " پیشمرگه یا گریلا " باید در رابطه با سلاحهاییکه دشمن در اختیار دارد انتخاب شود) ، هر پیشمرگه یا گریلا لا اقل باید یک قبضه نارنجک دستی در اختیار داشته باشد ، هر گروه باید یک دستگاه دوربین بهمراه داشته باشد ، هر گروه چریکی یا پارتیزانی باید **5 تا 6** قبضه اسلحه کمری " هر دو نفر یک قبضه " در اختیار داشته باشد.

دسته چریک علاوه بر مواد ولوازم مربوط به نظافت و نگهداری از سلاح ، باید سه دستگاه گیرنده و فرستنده - سه دستگاه قطب نما و تعدادی از نقشه های نظامی منطقه (مورد عمل) را در اختیار داشته باشد.

سنگینی بار لوچستیکی " تدارکاتی " باید به نسبت بین " چریکها یا گریلاها " قسمت شود ، بدین ترتیب آنها یک سلاح های سبک و کم حجم تر را حمل میکنند : (بکسانیکه مواد تی - ان - تی و سلاحهای سنگین تر را در اختیار دارند ، کمک کنند.

کوله پوشتی :

هر چریک یا پارتیزان : (پیشمرگه یا گریلا) **باید اینطور تلقی کند که** : آنچه را که توی کوله پوشتی اش حمل میکند تنها چیز است که در یک زمان نامحدود میتواند بروی آن حساب کند . در جیره بندی و محفوظ نگه داشتن محتویات آن باید منتهای دقت را بعمل آورد ، بهیچوجه نباید آنرا از خود جدا کند ، مگر اینکه مسئله مرگ یا زندگی در بین باشد.

توجه : باید این مطلب را همیشه در نظر داشت که : **ضد شورش** فقط به برپائی نبردهای عملیاتی برای بدست راه حل های سریع مبادرت نمیورزد ، بلکه همچنین بصد تدابیر لوچستیکی " تدارکاتی " نیز دست میزند تا مانع این **گردد که** : چریکها یا پارتیزانها - پیشمرگه ها یا گریلاها ، با توده مردم تماس حاصل کنند و برای خود آذوقه و خواربار تهیه کنند.

محتویات کوله پوشتی را باید قبل توی یک کیف بزرگ پلاستیکی قرارداد تا بدینوسیله بهتر بتوان آنها را در مقابل رطوبت محافظت نمود ، هر چریک یا گریلا باید در کوله پوشتی خود پنج کیف کوچکتر " هریک بظرفیتی در حدود 3 کیلو داشته باشد و وسایل ولوازم خود را قبل از قراردادن در کیف پلاستیکی و کوله پوشتی ، در داخل آنها با نظم و ترتیب بچیند.

این کیفهای کوچکتر باید از پارچه ائی نفوذناپذیر و با دوام تهیه شود تا بدینوسیله از آذوقه و وسائلی که در مقابل باران و رطوبت ، بیش از بيش محافظت گردد.

کفشها :

چریکها یا پارتیزانها (پیشمرگه یا گریلا) ها ، که دارای سالها تجربه در جنگهای " غیر منظم " پارتیزانی می باشند تائید میکنند که بهترین کف برای زمینها و شرائط جوی سرزمین ما (**کردستان**) کفشهای تنیس - وپلاستیکی هر دو با تخت مضاعف " دوبل " است . در داخل رویه کفش نیز باید آستری از چرم قرارداد ، بدینوسیله کفشها فوق العاده محکم و خیلی سبک و راحتی برای خود تهیه کرده ایم که به راحتی شستشو و خشک میشوند . **همینکه** پیشمرگه ها یا گریلا ها به اردوگاه " پایگاه " رسیدند ، باید بوطینها را از پای خود در آورده و برای استراحت دادن پاها از کفشهای تنیس استفاده کنند ، **توصیه میشود که** : از جورابها ضخیم استفاده شود و در هنگام خواب در صورتیکه شرائط اجاب.

زه دهد پاها لخت باشند ، و قبل از خواب پاها را با صابون شستشوداده و صبر کرد که پاها خشک شوند - هرچریک یا گریلا باید دوجفت کفش تنیسی یا پلاستیکی (برحسب استفاده فصلی) با خود داشته باشد ، یک جفت برای راه پیمائی و یک جفت دیگر توی کوله پشتی برای روزمبادا.

البسه :

هرپیشمرگه یا گریلا علاوه بر لباسی که به تن دارد باید یک دست لباس اضافی نیز در کوله پشتی خود داشته باشد. او میتواند یک دست لباس رزمی ضد چریک را هم به همراه داشته باشد ، تا در مواردیکه لازمست خود را جای یکی از آن ها جا بزند ، و از آن استفاده کند. چریک یا پارتیزان : قبل از خواب باید لباس زیرپوش خود را کلا عوض کند ((و از خوبیدن با لباس عرق دارو مرطوب قویا خود داری واجتتاب ورزد)) ، ولباس خیس را درکنار آتش خشک کند ، تا روزبعد بتواند از آنها برای راه پیمائی استفاده نماید.

پارچهء نفوذناپذیر: هر پیشمرگه یا گریلا بدو مشمع یا پارچهء نفوذناپذیر احتیاج دارد - یکی از آنها برای استفاده بعنوان چادر، و دیگری در اندازه 160 در 100 سانتیمتر برای رختخواب " زیریا روانداز " . بعلاوه هرچریک باید همواره یک پتوپشمی به همراه داشته باشد.

اشیاء مورد نیاز دیگر :

هرچریک یا پارتیزان - پیشمرگه یا گریلا : باید بیک سرنیزه کوتاه ، بیک بیلچه یا دسته کوتاه مجهز باشد ، به منظور: کارگذاشتن مینها و کندن سنگرها - و برپا کردن اردوگاه ها. برای هرگروه 11 نفری ، یک طبربدون دسته توصیه میشود که پس از رسیدن به محل تجمع مورد استفاده قرارمیگیرد. **تکرار میکنم که :** غذای اصلی چریکها یا گریلاها را نان گندم ، مواد قندی ، کنسروگوشت ، نمک ، شکرود رصورت دسترسی میوه جات تشکیل میدهد. کیریتها باید در شیشه های در بسته یا کیسه های کوچک پلاستیکی نگهداری شوند - و همچنین صابونی که برای شستشوی لباسهای زیربکارمیروند و نیز تیغ ها ولوازم ریش تراشی. **مضافا :** هرپارتیزان یا پیشمرگه باید دو مسواک و خمیردندان به همراه داشته باشد. در محلهائیکه آب کمیاب است باید قمقمه های خود را پرکنند - توصیه می شود که در هنگام راه پیمائی تا آنجا که ممکن است کمتر آب مصرف گردد. هرپیشمرگه یا گریلا باید یک کاسه به همراه داشته باشد - و برای هرگروه طناب محکمی برای بستن بگردن چهارپایان یا برای عبور از رودخانه ها باید در نظرگرفت - هر مبارز باید سه رشته طناب هر یک بطول (2) متر برای بستن و پیچیدن لوازم داخل کوله پشتی با خود داشته باشد. این وسائل باید طوری در داخل کوله پشتی جا سازی شوند که از ایجاد هرگونه سروصدائی در هنگام راه پیمائی جلوگیری گردد.

داروها :

هرپیشمرگه یا گریلا - پارتیزان یا چریک : باید در کوله پشتی خود داروهای زیر را داشته باشد : 1 - سه آمپول علیه مارگزیدگی ، 2 - یکصد قرص از انواع ویتامینها ، 3 - یک شیشه داروی نیروبخش ، 4 - سه شیشه پنی - سیلین ، 5 - پنجاه عدد قرص ضد اسهال ، 6 - ده سانتیمتر مکعب داروی بیهوشی موضعی ، 7 - یک آمپول مر-فین ، 8 - یک آمپول سرم ضد گزاز ، 9 - داروهای موثر علیه عوارض قارچ پوستی ، - 10 - یک بسته نوارچسب طبی ، 11 - یک بسته نوارکشدار ، 12 - یک بسته کوچک نظیف.

بالاخره ، هرچریک یا پارتیزان - پیشمرگه یت گریلا یک کتاب مختلف (با نظر مسنول گروه چریکی) با خود همراه خواهد داشت که این کتاب بین افراد گروه مبادله خواهد شد ، و نیز هرکدام دارای یک دفترچه یادداشت خواهد بود ، که هر دوی اینها باید توی پارچهء نفوذناپذیر پوشیده شود.

کوره راه چریک "گریلا" و تدابیر احتیاطی علیه حمله بار دوگاه ادامه دارد

لطفا مطالب این بخش و نیز بخشهای (گذشته و آینده) آنرا برای آگاهی و آموزش (پیشمرگه - و گریلا) ها - و نیز کادرها ، طبع و توزیع فرمائید. متشکرم.

Chia.rabii@yahoo.com

مالمو سوئيد.